

آشنایی با بزرگان کاراته ایران سنسی تن زاده: کاراته تلو رانس صلح جویی و جنگ طلبی



■ از ابتدای دهه پنجاه وارد آکادمی کاراته ایران شد. بی تردید وی را می توان یکی از فنی ترین کاراته کارهای با کلاس کشورمان به شمار آورد. او در کاراته منجمد و متحرک نیست و در زمره مستحگرهای رزمی به شمار نمی آید. به دنبال پویایی و پالتنگی است و از معدود کاراته کارهایی است که با کاراته های سبکهای مختلف دیگر نیز آشنایی دارد. برخی از کاراته های شوتوکان، گوجوریو و... را از خود شوتوکنیایی و... بهتر اجرا می کند و شاید به گفته و اقرار بزرگان کاراته ژاپن از بهترین کاتاروهای ایران است که کاراته های ژاپنی را از فرزندان خویش تاپان در کاتیمیشن های مختلف آن بهتر اجرا می کند... این همه موجب شد تا سرفصل آشنایی با بزرگان کاراته را با نام و یاد او زینت بخشیم. بازگشت احد از اقامتی ۱۷ ماهه در ژاپن نیز مزید بر علت شد تا سرافش را بپذیریم به اولین بخش از صحبت های خودمانی ما با او توجه فرمایید.

■ لطفاً خودتان را به طور کامل معرفی فرمایید.

■ احد تن زاده: متولد ۱۳۳۹، متاهل و دارای یک فرزند پسر به نام آرشر هستم. دیپلمه و البته تکسین طب سوزنی از هنگ کنگ که تقریباً هشت سال است در این رشته فعالیت می کنم.

■ انگیزه رویکرد و تداوم کار شما در کاراته چه بود.

■ برای من بسیار دشوار است که احساس خود را در گرایش به این هنر اصیل بیان کنم. تصور می کنم از ۱۲ سالگی مانند برخی از نوجوانان دیگر به هنرهای رزمی علاقه مند شدم و از سال ۱۳۵۱ کار مقدمانی را آغاز کردم. خانواده با تکوین این میل و گشتش درونی مخالفت می کرد و من در واقع تا حدودی مخاطبه این ورزش را دنبال می کردم. در چنین شرایطی حضور برادر بزرگم که مشوق ورزش ام بود، غنیمتی به شمار می آمد اما اندک اندک دیگرگونهایی پدید آمد و پس از دعوت من به اردوی تیم ملی پیش از رقابت های ۱۹۷۷ توکیو شرایط تداوم ورزشی من هم بهبود یافت. ■ خاستگاه پرورش شما در کاراته کدامین باشگاه و

مربی بود.

■ کارم را در باشگاه ورزشی آرد و زیر نظر محمدباقر آقامیری آغاز کردم مدت حضورم در این باشگاه اندک بود پس از آن راهی مهد اصلی آموزش کاراته یعنی آکادمی کاراته شدم. اولین مربی ام شاپور علی آبادی بود و پس از آن سسی وارسته به استثنای این دور، مربی دیگری نداشتم.

■ از چه زمانی فلسفه و اصول فنی کاراته را احساس کردید.

■ معمولاً برای درک صحیح به زمان قابل توجهی نیازمندیم. دریافت درجه شودان به مثابه نقطه عطفی در زندگی بود. از این مقطع زمانی تمامی تلاشها و کوششها لذتبخش بود. پیش از آن احساس خاصی نداشتم. در واقع کار با احساس شروع می شود و



به تعقل مستهی می گردد. از دنبال روی یک ورزش عادی بر رهبانتهای نوین از یک هنر رزمی می رسیم. ■ مدارج تکاملی ارتقاء رتبه رزمی خود را توضیح دهید.

■ از وقتی که کمربند مشکی دان یک خود را گرفتم و با کاراته حقیقی آشنایی پیدا کردم، احساس این بود که دیگر رنگ کمربند و درجه آن اهمیت چندانی ندارد اما بهرحال اوائل سال ۵۷ دان یک خود را از سنسی وارسته دریافت کردم. دان ۲ را در سال ۵۹ دان ۳ را در سال ۶۳ و دان ۴ را در شهریور ۶۸ دریافت کردم.

■ تاکنون چه مسئولیتهایی را در کارهای رزمی عهده دار بوده اید.

■ مسئول کمیته مربیان هیأت کاراته تهران هستم. در سال ۶۸ افتخار مربیگری تیم ملی جوانان را داشتم که با ملی پوشان جوان هازم اندونزی شدیم و جوانان برومند کاراته کا موفق شدند دو مدال برنز را به ارمغان آورند. و اما در سبک شینوریو، به گونه ای که آگاهی دارید سمتهای زیر را دارا هستم:

مسئول کمیته آموزش

عضو کمیته فنی

و عضو هیأت رئیسه سبک شینوریو.

■ از کاراته برایمان بیشتر بگویید. دریافتها و راهیایی نوین شما از این هنر رزمی چیست.

■ نمی توانم به کاراته اطلاقی ورزش را داشته باشم. فراتر از یک رشته ورزشی است. لمره تکامل فکری، روحی و جسمی من بوده است. هدف اصلی در کاراته مقهور کردن و به زمین زدن حریف نیست بلکه کامل شدن است. بسیاری دنبال افتخارات کاراته هستند، عده ای در جستجوی مدالهای رنگارنگ، به سکو رفتن و نصاحب عناوین فهرمانی و... بعضی هم قصدشان قدرت نمایی و عرض اندام است اما لذات واقعی زندگی جوانمردانه است.

■ گذشت از این چه عناوین قهرمانانه ای را بدست آورده ای.

■ بدون توضیح اضافی و به صورت موجز عرض می کنم:

سال ۵۹ کسب مقام دوم تیمی در مسابقات فهرمانی کشور.

سال ۵۹ احراز قهرمانی تیمی در پیکارهای کشوری در کرمان.

سال ۶۰ نصاحب عنوان نایب فهرمانی تیمی در رقابتهای مشهد.

پس از آن تا سال ۶۷ در هیچ مسابقه رسمی شرکت نداشتم اما در این سال در پیکارهای بزرگداشت هفته وحدت که با شرکت

تیمهای سوریه، ایتالیا، پاکستان و ترکیه برگزار شد شرکت کردم. در این رقابتهای ۳ تیم از ایران حضور داشتند که در کمیته انفرادی به

مقام سوم نایل آمدم و در عین حال عضو تیم الف ایران نیز بودم که

قهرمان جام وحدت شد.

از سال ۶۷ نیز در مسابقه های شرکت نکردم تا اینکه در اگوست

۱۹۹۲ در سی و دومین دوره پیکارهای سراسری شینوکای ژاپن

شرکت کردم و رتبه سوم را بدست آوردم. پس از این مسابقات در

دوره سراسری ویژه مربیگری که از سوی فدراسیون کاراته ژاپن

برگزار می شد شرکت جستم و مدفوک مربیگری کاراته را دریافت

کردم. پس از آن در رقابتهای آشنایی شینوریو شرکت کردم و در کارنا

دوم شدم. در مارس ۱۹۹۳ نیز در سمینار داوری شرکت کردم و

موفق به دریافت مدرک داوری بین المللی از درجه A شدم.

(خوانندگان محترم! ادامه گفتگو را در هفته آینده دنبال فرمایید)

شرح عکس: سسی تن زاده قهرمان سوم رتبه کارنا در پیکارهای شینوکای ژاپن. در عکس برادران سرشناسی هاشم گیاره، نقران تشنگی از سمت راست دیده می شوند.

شرح عکس: احد تن زاده در کنار سنسی کبی مایونی.

سنسی تن زاده: در برابر همهٔ سبکهای ارزشمند کاراته «اس» می گویم

■ آقای تن زاده! بسیاری از کاراته‌گراها از اختلاف فاحش سردمداران سبکهای مختلف با یکدیگر متأثر هستند. بزرگانی چون اتحاد، مشفق، نصرتیان، شیزری، شیرازی، پوربهرامی، علی‌آبادی، نبی، موثقی، توحید، صفار (حمید) اصلانیان و ... هم اکنون کجا هستند و چه می‌کنند. اصولاً چرا چنین اوضاع شگفت‌انگیزی صرفاً در کاراته وجود دارد.

● در خلال اقامت در ژاپن پی بردم که تعصب سبکی با این تلفی که ما بدست آوردیم مفهومی ندارد. مدارس مختلف کاراته تکوین یافته و مشغول آموزش فنون و تکنیکهای رزمی است. مسئولین سبکهای گوناگون با پیشوند و پسوندهای مختلف سرگرم خدمتگزاری به جوانان هستند و با یکدیگر صمیمی و دوستانه همکاری می‌کنند. یکی از مظاهر بارز این رفاقت را در همین بیکارهای اخیر شیتوریو می‌توان دید که غالب بزرگان سبکها در مراسم افتتاحیه شرکت داشتند. شخصی چون یاماگوجی از سوی گوجوریو پیام تبریک می‌فرستد و دیگران نیز به همین نحو عمل می‌کنند.

همهٔ سبکها خوب هستند. لیک بستگی دارد به اینکه ما چگونه آنها را معرفی کنیم. دامن زدن به اختلافات سطحی و پیش پا افتاده دور از شأن و شخصیت یک رزمی‌کار است.

اما گمان من اینست که نسل جوان آیندهٔ کاراته را رقم خواهد زد. آنان شاید با یکدیگر راحتتر به همزیستی مسالمت‌آمیز خواهند پرداخت. ما در کاراته فراموش کردیم تا به یکدیگر احترام بگذاریم. این احترام به وجود نساتامی و باشگاه محدود نمی‌شود و مصداق بارز آن اجتماع بزرگ بشری است. من برای همهٔ سبکهای گرانها و



شرح عکس: ● تن زاده در حال تمرین ایاب - دو

اصیل کاراته ارزش قائلم و به مسئولین محترم آنها «اس» می‌گویم.

● علاوه بر کارته، ایاب - دو نیز تمرین می‌کردم و موفق شدم جواز حمل شمشیر را دریافت کنم. روش تمرینی من در این هنر

اصیل کاراته ارزش قائلم و به مسئولین محترم آنها «اس» می‌گویم.
■ طی مدت ۱۷ ماهه اقامت خود در ژاپن به استثنای کاراته چه فعالیت

اصیل رزمی، ای شین ریو است و دارای دان یک هستم.

■ برای پیشبرد کاراته کشور چه باید کرد.

● اتحاد همهٔ سبکها نه به این مفهوم که از اصول و مواضع سبکی خاص خود عدول ورزند. منظور من پذیرش همکاری مشترک، برگزاری نشستهای مشترک و مطمح نظر قرار دادن هدف بزرگ قرار گرفتن بر سکوی قهرمانی بخاطر مبین عزیزمان ایران است. دیگر، وحدت رویهٔ آموزشی است. کاراته ما از نظر فنی پیشرفته است و فیزیک بدنی جوانان مستعد ما بالا است. آنچه که موجب فاصله گرفتن ما از جریان روبه رشد کاراته دنیا شده است اختلافات بسپوده و بی‌ارزش است. من به عنوان نماینده کوچکی از جامعهٔ کاراته‌گای ایران در سن ۳۲ سالگی در کاتا و در بودوکان توکیو بر روی سکو قرار گرفتم تا ثابت کنم فرزندان ایران زمین از نظر فنی با فرزندان خورشید تابان فاصله‌ای ندارند.

■ چه آمار از تعداد مرییان و کاراته‌گها در ژاپن دارید و ارزشیابی مدارک آنان چگونه صورت می‌گیرد.

● قریب ۷۰۰ مری رسمی و مدرک‌دار در ژاپن مشغول آموزش هستند و گمان می‌کنم ۸۰۰ هزار نفر دارای کمربند سیاه هستند. از تعداد دقیق هنرجویان کاراته بی‌اطلاع هستم.

در ژاپن برای خیلی از فنون دان می‌دهند حتی «شودو» که خوشنویسی است دارای دان

است. برای تخصصهای موسیقی و ... هم افسرد درجه‌بندی می‌شوند. این وظیفه فدراسیون است که مدارک اساتید کاراته کشور را ارزشیابی اداری کند و پیشنهاد آنرا به سازمان ورزش بدهد. در فوتبال، والیبال و همه رشته‌های دیگر نیز این کار باید صورت گیرد. این اقدام، ورزش ما را دگرگون خواهد کرد و

سازمان تربیت بدنی باید آنرا جدی بگیرد.

■ هنگامی که در رقابتهای شیتوریو بر روی سکو قرار گرفتی چه احساسی داشتی.

● همزمان بود با تحویل سال نو و من در مصاحبه با یکی از شبکه‌های تلویزیون ژاپن به همهٔ ایرانیان حاضر در ژاپن فرا رسیدن نوروز باستانی را تبریک گفتم و تصاحب مدال را به مثابه عیدی به آنان تلفی کردم. این بهترین خاطرهٔ دوران ورزشی‌ام به شمار می‌آید.

■ الگوی ورزشی تو چه کسانی بودند.

● استادان بزرگ کاراته الگوی همهٔ کاراته‌گها به شمار می‌آیند. آنان اسطوره‌هایی هستند که هرگز فراموش نخواهند شد.

■ در کاراته ایران کار چه کسانی را در کمیته و کاتا می‌پسندیدی.

● در کمیته شفته شکردهای اساتیدی چون: هوشنگ اتحاد، محمود شیزری، محمد توحیدی بودم. در کاتا نیز از کار اساتیدی چون: اکبر پوربهرامی و محمد بهرامی لذت می‌بردم.

■ در پایان این گفتگو برای ورزشکاران کاراته‌کا و جامعهٔ کاراته کشور چه پیامی دارید.

● به کاراته‌های عزیز توصیه می‌کنم که به جنبه‌های فکری و فاکت‌های روحی کاراته بیشتر توجه نمایند چرا که اگر قرار باشد ابعاد اعتقادی و روحی و روانی کاراته حذف شود دیگر نمی‌توان نام «هنر» را بر آن اطلاق کرد.

علاقه‌مندم در باران این گفتگو دو شعار و توصیه از دو استاد بزرگ کاراته را برای جامعه کاراته به ارمغان داشته باشم. سنسی گنجین فونساگوشی می‌گوید: هدف نهایی کاراته کامل شدن شخصیت انسانی است.

سنسی کنی مابونی می‌گوید: کاراته ورزش جوانمردها است.